

وقتی نام امام حسین^(ع) رونق دوباره بازار می شود

دوباره شهر بوی محرم گرفت

زهره مرادوند

گزارش روز
روز‌های تقویم به محرم که می‌رسد، بی‌محابا صدای سنج و طبل در گوشمان زمزمه می‌کند تا بirq حسینی آذین بند هر محفل و هر بازاری شود و پرچم عزایش بلندترین ردای ماتم‌ماوقع کر بلا باشد. صلابت ماه عزای امام حسین^(ع) حتی صعب العبورترین راه‌ها را درمی‌نوردد تا بادل شهر یک‌رنگ شود و سیاه پوش شدن را گامی کوچک برای حرمت داری حریم این ماه قلمداد کند.
به هر سوی که می‌نگری، هیاهویی برپاست؛ کوچه‌ها و خیابان‌های شهری که تا دیروز میزبان اعیاد قربان‌تا غدیر بود حالا مأمّن پرچم و موکب و هیئت‌های عزای امام حسین^(ع) شده است و مساجد و تکیه‌ها را اسب‌هپوش قدم‌های کاروان امام حسین^(ع) برای عاشورا می‌کنند. از کودک خردسال محله تا پیر غلامی که موسسید کرده است در دستگاه اعیاد...^(۲) پای کار و کسی در این سیری نصیب از نسیم عنایت و رحمت امام حسین^(ع) نمی‌ماند. این ماه حرمت‌داری را خوب بلد است؛ با آمدنش برکتی بی‌مانند می‌آورد تا هر کس به هر نسبت و موقعیتی، وامدار خوانِ نعمت و گستردگی رحمت صاحب‌عزایش باشد.
محرم که می‌شود، به ذهن می‌رسد که تنها کارمداحان و سخنرانان رونق گرفته است، در حالی که عمیق‌تر که می‌نگری می‌بینی از کشاورز سبزی‌کار روستایی که سبزی‌آش‌های نذری را کشت می‌کند، تا بزرگ‌ترین فروشنده ابزار آلات صوئی و تصویری نقش خود را به یک‌نسبت در این سیر پر از برکت می‌دانند.
در این گزارش سری به خیابان‌های شهر زدیم و حال و هوای حسینی شهر را به تصویر کشیدیم که در ادامه می‌خوانید.
● فروش پربرکت خیابان‌های منتهی به حرم امام مهربانی‌ها سیه‌پوش شده‌اند. و پترین مغازه‌ها از رنگ و لعاب روزمره‌شان دست‌کشیده‌اند و سیاه‌ی عزای ارباب رابر چشم‌نوازی هزار رنگ محصولات ارجح دانسته‌اند. با یکی از خانم‌های فروشنده لباس که در خیابان طبرسی جنوبی در حال مرتب کردن لباس‌های مغازه‌اش است هم‌کلام می‌شوم. همان ابتدای حرف‌هایش می‌گوید: «لباس مشکی از سه سال به بالا داریم. هر سائزی بخواهید هست. وقتی متوجه می‌شود برای تهیه گزارش آمده ایم. می‌گوید: از چهار ماه قبل حدود ۱۳ نفر از بچه‌های کارگاه خیاطی مان



مشغول به تولید پیراهن مشکی هستند تا امروز لباس برای ماه محرم داشته باشیم.»
آسیه حسینی ادامه می‌دهد: «تا نزدیک محرم می‌شود، مشتری‌ها وقتی وارد مغازه می‌شوند مستقیم سراغ لباس مشکی را می‌گیرند یا از طرح‌های موجود رنگ سیاهش را تقاضا می‌کنند، به همین دلیل فروش لباس مشکی در ایام نزدیک به ماه محرم و حتی تا پایان ماه صفر، بسیار بیشتر است و برکت دارد.»

اما برکت این ماه به یک یا چند رسته کوچک شغلی ختم نمی‌شود. سری به خیابان ابوریحان، مقابل بیمارستان شهید هاشمی نژاد می‌زنیم. آنجا هم سرفروشنده‌های لوازم پلاستیکی یک بار بمصرف حسابی شلوغ است. مهدی حافظی معتقد است بیشترین سود حالش را از طریق فروش ظروف غذاهای نذری به عزاداران به دست می‌آورد و دلخوش به این است که جای عزای امام حسین^(ع) در لیوانی که او به دست‌بانی مجالس رسانده است، به کام عزاداران می‌نشیند.

- وقتی آقا نظر می‌کند**

در چهارراه مجلسی شرقی چند مغازه بزرگ کرایه‌چی ظروف و... به چشم می‌خورند. سیدعباس شاگردیکی از این مغازه‌هاست. اودر حالی که کاسه‌های استیل را روی هم می‌چیند می‌گوید: اوج

کارمان همین ماه است. مراسم عزاداری و... در مشهد یا شکوه برگزار می‌شود و هیئات و تشکل‌های مذهبی نیاز به فرش و لیوان و... دارند. این روزها حال و هوای خاص خودش را دارد. من خودم را قبل از اینکه شاگرد و کاسب بدانم خادم امام حسین^(ع) می‌دانم. شاید باورتان نشود زمانی که وسایل درخواستی هیئت‌های حسینی را بار می‌زنم بیشتر از هر زمان دیگری، حتی زمان جشن‌ها، انرژی دارم.

احساس می‌کنم با تمام وجود آقا^(ع) به من هم نظر می‌کنند که به عنوان یک شاگرد مغازه در برپایی یک هیئت حسینی مؤثر باشم. از این جهت حس خستگی به من دست نمی‌دهد.

سراغ مغازه‌های سنج و زنجیر و طبل در خیابان آیت‌ا... بهجت می‌رویم. با دیدن آلات عزاداری ناخودگاه نوحه «باز این چه شور است که در خلق عالم است» تمام وجودت را فرا می‌گیرد و دیدن لباس‌های نمایش و تعزیه‌تورا به فکر فرومی‌برد که این وادی نیز حلقه‌ای از زنجیر این وادی امن محرم است.



عکس: داود بهنگام شهرآرا

صاحب مغازه که زندگی‌اش را و امدا ر نگاه امام حسین^(ع) می‌داند می‌گوید: «شاید مغازه من تنها مغازه‌ای باشد که درآمد اصلی‌اش به ماه محرم منحصر شده باشد و در دیگر ایام سال سوت و کور است اما حاضر نیستیم این حالات را با درآمد بالا معاوضه کنیم. بابت همین در تمام طول

سال چیدمان پرچم و آلات عزاداری را دست نمی‌زنم، اگر چه موارد دیگری نیز برای فروش و امرار معاش به مغازه اضافه کرده‌ام اما برکت زندگی من لایه‌لای همین سنج و زنجیر و طبل‌هایی است که گاهی به دست

یک کودک می‌دهم تا از همان کودکی عشق امام حسین^(ع) را در دلش به یادگار داشته باشد.» او که اهل دل است و دل‌داده خط امام حسین^(ع) فروش پرچم‌های عزاداری را امایه میاهات زندگی‌اش می‌داند و معتقد است همین که پرچم فروخته شده او بر سردر منزلی آویخته می‌شود، کارش به اجر رسیده، چون در تلنگر لحظه به یاد محرم افتادن عابری شریک است.

- منمونم که من را دعوت کرد**

کمی آن طرف‌تر، درست در خیابان شهید محسن کاشانی، مردی در حال نصب دار بست بود برای برپایی



عکس: داود بهنگام شهرآرا

ایستگاه صلواتی. کار اصلی‌اش نصب دار بست برای ساختمان‌های مرتفع است. او حال و هوای کارش را در ماه محرم این‌طور ترسیم می‌کند: «من دار بست می‌زنم برای ساختمان‌های بلند شهر. گاهی شاید چندین طبقه را دار بست بزنم اما همین که محرم می‌شود، دار بست کوچک تکیه محله‌ها را که نصب می‌کنم انگار بلندترین نمای عمرم را پیش چشم‌انم می‌بینم و ذوق برپاشدنش برای من از اتمام دار بست یک ساختمان چندین طبقه هم شیرین‌تر است و حقیقتا با بایک صلوات یا جمله «اجرت با امام حسین^(ع)» تمام وجودم سرشار از عنایت‌آقا^(ع) می‌شود و از او ممنونم که من را برای این کار دعوت می‌کند.

- خودم را در هیئت تصور می‌کنم**

سری به چاپخانه‌ای در خیابان شهید علیمردانی می‌زنیم. سرو صدای دستگاه‌ها بیانیگر آن است که اوج کارشان است. تمام و پترین و فضای مغازه میزبان بنر و تابلو چاپ‌هایی با مضمون محرم است. در بین این همه سر و صدای بلند چاپ، به سختی صدای کارگری را که دارد بنر بزرگ شب‌های محرم یکی از هیئت‌ها را مرتب می‌کند می‌شنوی. فضایی کار کوچک و گرم و سرو صدای زیاد خسته کننده است. علی معلم زاده که سه ماهی می‌شود در این چاپخانه مشغول به کار است می‌گوید: «کارمان سخت است. بوی مواد شیمیایی و رنگ و... اذیتمان می‌کند. درست از قبل عبد قربان فشار کارمان چند برابر می‌شود. الان اوج چاپ بنرهای محرم است. با دیدن هر بنر و اطلاعیه محرمی که از زیر دستگاه چاپ بیرون می‌آید، خودم را در آن هیئت تصور می‌کنم و خدا را شکر می‌کنم که کارم جایی با امام حسین^(ع) و پرای او گره می‌خورد.» اودر ادامه حرف‌هایش بیان می‌کند: درآمد من در این ماه کمی از ماه‌های دیگر بیشتر است. بیشتر به برکتش فکر می‌کنم. همین که شهرنودی با دیدن بنر اطلاع‌رسانی هیئت از برنامه‌هایش مطلع می‌شود و به آنجا می‌رود یعنی ماهم در این چرخه مؤثریم و چه چیز بالاتر از این همه عنایت‌به کارگری مثل من؟»

آری در این روزها به هر جا که سر می‌زنی نامی، نشانی و ردپایی از محرم به چشم‌ت می‌خورد و شغل‌هایی می‌بینی که به برکت نام امام حسین^(ع) رونقی بیش از پیش گرفته‌اند.

هزاران رسته و حرفه مستقیم یا غیر مستقیم در برپایی عزای حسینی مشارکت دارند که شاید در ذهن نیابند اما نبودنشان این حلقه را لنگ می‌گذارد.



عکس: داود بهنگام شهرآرا

- شیرخواران حسینی**

رنگ سیاه، رنگ غالب و پترین بیشتر لباس فروشی‌های بازار مرکزی است. برخی از فروشنده‌ها در حال چیدن لباس‌های مشکی هستند. خانم میان‌سالی در پی لباس مشکی پسرانه خاصی است. صحبت کردنش با لهجه شیرین اصفهانی نشان از مهمان بودنش در این شهر دارد. روبه‌فروشنده می‌گوید: «حاج آقا از آن لباس و سربندهای سبز برای بچه شیرخواره‌ام می‌خواهم.»

فروشنده چند لباس شیرخوار می‌آورد و با گذاشتن روی و پترین سراغ قفسه‌ای که سربندها را در آن آویزان کرده است می‌رود. خانم میان‌سالی‌رو به خانم جوانی که همراهش هست می‌کند و می‌گوید: «می‌گوی اینا چطورس؟ واس‌امیر علی بستونم؟»

- ایستگاه‌های صلواتی که قد علم کرده‌اند**

حاشیه‌خیابان شیرازی چندمرد لوله‌های دار بست را به هم متصل می‌کنند تا چهارچوب یک ایستگاه صلواتی با پیچ میله‌ها توسط آن‌ان قد علم کند. پارچه‌ای سیاه نیز توسط چندمرد دیگر روی زمین پهن شده است تا با آماده شدن دار بست، پارچه‌های مشکی دور تا دور میله‌ها را بگیرد.

شهر آماده عزای ابا عبد... است.



پایگاه اجتماعی در ماه محرم

مراسم عزاداری در طول تاریخ و در ادوار مختلف اثرات اجتماعی فراوانی داشته است. علاوه بر تأثیرات فردی، می‌توان گفت انسجام اجتماعی، هویت بخشی، الگوپذیری، ایجاد پیوندهای فرانسلی و... تنها بخشی از کارکردهایی است که مناسک عاشورا با خود دارد. این در حالی است که جامعه‌شناسان ما در باره مناسک عاشورا بی تفاوت بوده‌و این مسئله را کمتر مورد بررسی قرار داده‌اند. حال آنکه پدیده‌ای به این وسعت که هر سال تکرار می‌شود جای بررسی و تحلیل عمیق از منظر جامعه‌شناسی دارد. در میان جامعه‌شناسان اسلامی این خلدون که برخی از محققان او را پدر جامعه‌شناسی می‌دانند، به نقش آیین‌ها و آداب دینی توجهی خاص داشت. در اعتقاد این خلدون آیین دینی هم چشمی و حسدیه دیگران را که در میان خداوندان عصیبت یافت می‌شود، زائل می‌کند و وجه راتنها به سوی حق و راستی متوجه می‌سازد. اگرچه این نوع نگاه به نوعی تقلیل کارکردهای مناسک عاشورا است اما به هر روی از موارد نادری است که توسط جامعه‌شناسان اسلامی به آن پرداخته شده است.

- هرچه داریم از محرم است**

امام خمینی^(ع) از جمله علمایی بود که به تأثیرات و وجوه سیاسی و اجتماعی مناسک و عزاداری‌های عاشورایی اشاره داشت و بر آن تأکید کرد. امام^(ع) در این باره می‌فرماید: «اگر قیام حضرت سیدالشهدا^(ع) نبود، امروز هم مانی توانستیم پیروز شویم. تمام این وحدت کلمه‌ای که میداپیروزی ما شد، به خاطر این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد... این محرم را زنده نگه دارید. ما هرچه داریم از این محرم است و از این مجالس... اگر این مجالس وعظ و خطابه و عزاداری و اجتماعات سوگواری نبود، کشور ما پیروز نمی‌شد.» اگرچه عزاداران حسینی در ابتدا ممکن است به کارکردها و اثرات مناسک عاشورا توجهی نداشته باشند و عشق و ارادت آن‌ها به امام حسین^(ع) سبب عرض ارادت آن‌ها و برگزاری مناسک عزاداری باشد، کارکردهایی که مناسک عاشورایی در پی دارد نتیجه طبیعی برگزاری چنین مراسمی است. یک جامعه مذهبی و دینی ساختارهای اجتماعی خاص خود را دارد و مادر معرض این تهدید هستیم که جامعه از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اجتماعی خود غفلت کند و به این سمت برود که از ظرفیت‌هایی که در دنیای غرب وجود دارد استفاده کند.

- هیئت، پایگاه اجتماعی**

هیئت به عنوان یک ساختار شیعی با محوریت یک امر مقدس دینی به طور خاص با بحث و لاول اهل بیت^(ع) تشکیل شد. هدف از هیئت عزاداری برای یک امام مظلوم بود که ظرفیت‌های فراوان اجتماعی ایجاد کرد. در بحث‌های کلان اجتماعی هیئت پایگاه‌های شدند برای اعتراض بر ساختارهای ظالمانه. در هر منطقه و شهر افرادی با هزینه‌های خودشان برای امام حسین^(ع) جلسه می‌گرفتند و از ظلمی که بر ایشان رفته بود شکوه می‌کردند. ما این ظرفیت‌ها را هم در بحث‌های کلان می‌بینیم و هم در بحث‌های خرد و جزئی. در بحث‌های کلان اجتماعی هیئت‌ها پایگاهی شدند برای اعتراض بر ساختارهای ظالمانه. در هر منطقه و شهر افرادی با هزینه‌های خودشان برای امام حسین^(ع) جلسه می‌گرفتند و از ظلمی که بر ایشان رفته بود شکوه می‌کردند.

هیئت‌های مؤتلفه که قبل از انقلاب شکل گرفت بسیار به شکل گبری نظام اسلامی کمک کرد. این ظرفیت امروز هم وجود دارد. یکی از آسیب‌هایی که رهبر معظم انقلاب در چند سال اخیر درباره آن تذکر داده‌اند، خطر هیئت‌های سکولار بود. یعنی هیئت‌هایی که صرفا به عزاداری می‌پردازند و کارکردهای اجتماعی عزاداری را مورد توجه قرار نمی‌دهند و از آن فاصله می‌گیرند. از منظر آن‌ها مهم نیست که امام حسین^(ع) چرا کشته شده است، بلکه مهم این است که بر حضرت باید گریست.

- برکاتی که هیئت دارد**

در یک جامعه اسلامی خیلی مهم است که الفت و انسجام اجتماعی چگونه شکل می‌گیرد. در یک جامعه غیر اسلامی انس اجتماعی در میتینگ‌ها و کارناوال‌ها شکل می‌گیرد ولی در جامعه اسلامی این امر بر مبنای یک عبادت شکل می‌گیرد. مثلاً در یک مسجد مؤمنین روزانه سه بار یکدیگر را می‌بینند که این خود بسیار در انسجام اجتماعی مؤثر است. در هیئت‌ها مردم با یک رقت قلب حضور می‌یابند و نگاه‌هایشان نسبت به هم صمیمی است و دوست دارند به هم خوبی کنند، لذا در چنین فضا‌هایی یکدیگر را می‌بینند که این دید و بازدید‌ها به انسجام اجتماعی بسیار کمک می‌کند. این انسجام اجتماعی بر محور یک امر معنوی شکل می‌گیرد و این مسئله هیئت‌ها را به عنوان یک جریان اجتماعی با دیگر جریان‌های اجتماعی در دنیا متمایز می‌کند در گذشته سبک زندگی این گونه بود که مردم بیشتر با هم مأنوس بودند. با پیشرفت زندگی شهرنشینی و وسایل ارتباط جمعی، ارتباطات مردم با هم کم شده است. در مناطق که هیئت‌ها به صورت برجسته‌تر برگزار می‌شود، این مسئله باعث می‌شود زمینه ارتباطات بیشتر شود و تعاملات اجتماعی ما را به سنت‌های خوب خودمان باز گردانند. لذا این انسجام اجتماعی بر محور یک امر معنوی شکل می‌گیرد و این مسئله هیئت‌ها را به عنوان یک جریان اجتماعی با دیگر جریان‌های اجتماعی در دنیا متمایز می‌کند. یکی از ظرفیت‌های اجتماعی هیئت‌ها بحث آموزش است. برکاتی که هیئت عزاداری در مقوله آموزش و فرهنگ‌سازی ایجاد کرده بی‌نظیر است. به این معنا که اگر شما بخواهید یک جلسه برای آموزش مسائل مختلف برگزار کنید و افرادی را جمع کنید باید هزینه‌های مختلفی را پرداخت کنید. اما هیئت‌های عزاداری به صورت کاملاً مردمی و با هزینه‌های مردمی برگزار می‌شود که در این نظرینز ندارد. این فرصتی را به دست می‌دهد که بتوان فرهنگ‌سازی کرد و آموزش‌هایی را ارائه داد. انسان موجودی اجتماعی است و وقتی انسان‌ها دور هم جمع می‌شوند احساس قدرت می‌کنند، مخصوصاً در جامعه‌ای که فضا علیه آن‌ها باشد. در زمان اهل بیت^(ع) که دوره فشارهای شدید بود اهل بیت^(ع) شیعیان را تشویق می‌کردند که دور هم جمع شوند و جلساتی را ترتیب دهند. مثلاً امام صادق^(ع) می‌فرماید: «من خیلی جلساتی را که شمارا احیای امر مابزرگاری می‌کنید دوست دارم، حساسیت‌ها در مورد جلسات عزاداری برای امام حسین^(ع) یا زیارت حضرت در مقطعی مانند دوران بنی امیه و بنی عباس زیاد بود. شکل گیری چنین جلساتی باعث قوت قلب برای شیعیان بود، چیزی که باعث شده است شیعه حرارت خود را حفظ کند، همین عزاداری‌هاست که در طول تاریخ آن را حفظ کرده است. اولین بار حضرت امام^(ع) توانستند جامعه شیعی را متوجه ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی عزاداری بکنند. قبل از امام^(ع) در حوزه‌ها این طور بود که بیشتر آقایان به ثواب گریه توجه می‌کردند و بر کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن توجه نداشتند. حضرت امام می‌فرمایند: «گریه ما گریه سیاسی است، لذا امام^(ع) را در این مورد باید احیاگر دانست. عالی‌ترین سطح تأثیرگذاری هیئت‌ها هم در دوره انقلاب است. امام^(ع) توانستند ظرفیت هیئت را به دل بسترهای اجتماعی و سیاسی بکشانند و تحولات عمیقی ایجاد کنند.